

دانشگاه فرهنگیان

فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در آموزش تاریخ

دوره دوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۹/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۰

بررسی زندگی‌نامه علمی حمدالله مستوفی با تکیه بر نزهةالقلوب و اهمیت آن در آموزش تاریخ

غلام رضا رحیمیان^۱ اسماعیل سپهوند^۲ مجید سپهوند^۳

چکیده

جغرافی‌نگاران ایرانی علاوه بر جغرافیا، شیوه زیست مردم و عقاید دینی و مذهبی و محدوده قلمرو آنها در ایران را در مناطق گوناگون این سرزمین مورد بررسی قرار می‌دهند. از جمله این جغرافی‌نگاران؛ حمدالله مستوفی بود. در سنت جغرافیانگاری که از قرون نخستین اسلامی شروع شده بود تا عصر ایلخانان مغولان نیز ادامه داشت. در این پژوهش قصد بر آن است که زندگی این مؤلف و تسلط علمی این مؤلف اثر با تکیه بر اثر جغرافیایی او یعنی نزهةالقلوب و اهمیت تاریخی آن مورد بررسی قرار گیرد. از آنجا که جغرافی‌نگاران ایرانی با نگرش خاص خود به سرزمین ایران، اهداف خود مبنی بر شناخت تاریخی این سرزمین جاوید و تمایز آن با سرزمین‌های دیگر را وجه همت خود قرار داده بودند، بررسی آثار آنها از نظر تاریخی ارزش و اهمیت بسیاری دارد. در این میان پرداختن به زندگی آنها و معرفی آثارشان از جنبه تاریخی از جمله کارهاییست که محققان در حیطه علوم انسانی به صورت عمومی و در حیطه جغرافیا به صورت خاص، باید آن را مورد توجه قرار دهند.

واژگان کلیدی: مستوفی، جغرافیا، نزهةالقلوب، تاریخ.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه پیام نور اصفهان، reza_sig@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام، مدرس دانشگاه فرهنگیان fh.lu.ac.ir، sepahvand.esm@fh.lu.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه لرستان، m.sepahvand۴۰۳۰@gmail.com

مقدمه

تاکنون منابع زیادی به صورت کتاب یا مقاله زندگی حمدالله مستوفی را از نظر علمی مورد توجه قرار داده و او را به خوبی شناسانده‌اند. حمدالله مستوفی در روش تاریخ‌نگاری و بینش تاریخ‌نگاری عصر ایلخانان معروف است که اثر «تاریخ گزیده» مهم‌ترین دلیل این ادعاست. جایگاه او از نظر دیوانی یعنی سنت مقام مستوفی او و خاندانش در قزوین نیز حائز اهمیت است. وی به شعر و ادبیات نیز علاقه خاصی داشت و منظومه‌ی ظفرنامه حاصل این علاقه‌ی اوست. آنچه که در این میان مهم است و این مقاله قصد پرداختن به آن را دارد جایگاه مستوفی در بین جغرافی‌نگاران ایرانی مسلمان است که تا زمان او سیر قابل توجهی را از سر گذرانده بود. در زمان ایلخانان مغول با توجه و نگرش ویژه حمدالله مستوفی و خلق اثری ارزشمند با نام نزهةالقلوب علم جغرافیا در بین ایرانیان به تکامل رسید زیرا احاطه وی بر علم جغرافیا را به اثبات می‌رساند و اثر او را می‌توان در آثار بعدی جغرافیا به زبان فارسی را با توجه به جغرافیای حافظ ابرو می‌توان نظاره کرد. نزهةالقلوب اثری گرانسنگ از نظر جغرافیای ایران است که با بررسی آن می‌توان به امور تاریخی آن نیز پی برد و توجه بیشتری به آن مبذول شود زیرا گستردگی علمی جامع مؤلف و اطلاعات ارزنده‌ای را نسبت به موقعیت جغرافیایی مناطق مختلف ایران به دست می‌دهد. این کتاب در قرن هشتم قمری یعنی در سال ۷۴۰ق تألیف شده و یکی از اسناد مهم محققان امروزی به شمار می‌رود. تاکنون کتاب‌ها و مقالاتی به زندگی و یک وجه خاص از عملکرد او در نزهةالقلوب پرداخته‌اند اما هیچ‌کدام به اهمیت تاریخی و ذکر موارد تاریخی آن نپرداخته‌اند. این تحقیق به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است و با روش توصیفی-تحلیلی قصد پاسخ‌گویی به این سؤال را دارد: چه دلایل و مواردی باعث اهمیت نزهةالقلوب از منظر تاریخی برای آموزش این علم شده است؟ پرداختن به هر مسئله جغرافیایی مانند آب و هوا، مالیات و اقتصاد مردم هر قلمرو و علوم متداول از نظر تاریخی نیز اهمیت دارد چه بسا در خود نزهةالقلوب به موارد تاریخی محض مثل پادشاهان و پایتخت‌های آنها، وقایع و حوادث تاریخی، تاریخچه شهرها و مشاهیر و معاریف و موارد بسیاری در این خصوص اشاره رفته است.

زندگی‌نامه مستوفی و جایگاه علمی او

حمدالله مستوفی به‌عنوان یکی از مورخان جغرافی‌نگار عصر ایلخانی از همان دوره‌ی جوانی علاقه‌ی زیادی نسبت به کسب اطلاعات جغرافیا، تاریخ و ادبیات داشت. وی نقش مهمی در بسط و تکمیل منابع تاریخی و جغرافیایی ایفا کرد (خوش‌آب، ۱۳۹۶: ۵۱). ایلخانان جانشینان هولاکوی مغول نوه چنگیزخان در ایران بودند که از سال ۶۵۱ تا ۷۵۶ق در ایران سلطنت کرده‌اند و ارتباط زیادی هم با دربار مغولستان نداشتند. آنان به لحاظ آنکه آداب و رسوم پادشاهان ایران را رفته رفته در دربارهای خود مراعات کردند، در حقیقت یک طبقه از پادشاهان ایران محسوب می‌شوند (بیات، ۱۳۸۴: ۲۹۲). این جغرافی‌نگار مورخ، ابن ابی‌بکر، احمد بن نصر قزوینی (م ۷۵۰ق) ادیب، شاعر ایرانی، از تبار عربی، اهل قزوین در قرن هشتم هجری قمری است که از خاندان قدیم مستوفیان و کاتبان دیوان بود که از قرن پنجم هجری قمری خزانه‌داری ولایت قزوین را به ارث شاعلی بوده‌اند و خود حمدالله نیز چندی مستوفی مالیات قزوین و زنجان و ابهر بود. نسب وی به حر بن یزید ریاحی می‌رسد. از آثار

او می‌توان تاریخ گزیده، ظفرنامه؛ تاریخ منظومی بر وزن شاهنامه و نزهةالقلوب را نام برد (نفیسی، ۱۳۴۴: ۱۴۴؛ تهامی: ۱۳۸۶: ۹۴۵/۱؛ آشتیانی، ۱۳۶۵: ۵۲۳؛ بیات، ۱۳۸۳: ۱۵۸). مستوفی، در سال ۷۵۰ ق در قزوین وفات یافت و در همین شهر به خاک سپرده شد (رنجکش، ۱۳۸۶: ۱۱۰). چون مستوفی اهل قزوین است در اینجا در معرفی قزوین به نوشته خود او در اثرش به صورت خلاصه اکتفا می‌کنیم: «قزوین از اقلیم چهارم، طولش از جزایر خالدات "فه" و عرض از خط استوا "لو" از حساب ثغورست، جهت آنکه پیوسته با دیالمه و ملاحظه در محاربه بوده‌اند، احادیث بسیار در فضیلت این بقعه وارد است و مشهور و در تدوین رافعی مسطور. منها عن جابر بن عبدالله: قال قال رسول الله صلی الله علیه و اله: اعزوا قزوین فانه من اعلى ابواب الجنة. و بدین سبب آن را باب الجنة خوانند ... شهرستان قزوین که اکنون محلی است در میان شهر، شاپور ذوالاکتاف ساسانی ساخته...» (مستوفی، ۱۳۳۶: ۶۱).

در رابطه با تاریخ گزیده اثر تاریخی مستوفی که یک تاریخ پاکیزه است باید چنین گفت که این تألیف از منابع مهم تاریخ ایران است که به پادشاهان و حکام ایرانی و بررسی دوره‌های سلجوقیان و خوارزمشاهیان و مغولان پرداخته و تاریخ فرقه نزاریان را هم به خوبی توضیح می‌دهد (بهار، ۱۳۸۰: ۳۷۸؛ سپهوند، ۱۳۹۲: ۲۲؛ رنجکش، ۱۳۸۶: ۱۱۰). از آنجا که حمدالله از خواص و کتاب زبردست خواجه رشیدالدین همدانی بود که در کار خویش استقلال تمام یافته و کلیه حکام ولایات را از هواداران خود انتخاب نموده و به اصطلاح خود صاحب تاریخ گزیده به هر ملک امینی مقبول‌القول می‌فرستاد (نویسی، ۱۳۶۴: مقدمه: ۵). به نظر می‌رسد که حکومت و استیفای ابهر، زنجان و طارم را خواجه به او محول کرده باشد زیرا حمدالله اغلب در محافل علمی رشیدالدین نائل آمده و ارتباط نزدیکی بین آن دو برقرار بوده و با آن که علم تاریخ نیاموخته بود به تدریج بر آن شد تا در اوقات فراغت به تألیف تاریخ عمومی بیردازد (دبیرسیاقی، ۱۳۳۶، مقدمه: بیست و نه؛ آورزمانی، ۱۳۹۴: ۱۱۱). مستوفی پس از قتل خواجه رشیدالدین، در سلک ملازمان خواجه غیاث‌الدین محمد، فرزند خلف وزیر مقتول درآمده و تا سال ۷۳۶ ق در خدمت وی باقی بود تا او نیز به قتل رسید (صدری‌افشار، ۱۳۴۵: ۱۴۰؛ قاسمی، ۱۳۹۱: ۲۷). وی همچنین معاصر شیخ صفی‌الدین، جد پادشاهان صفوی نیز بوده است. مستوفی را می‌بایست مورخ، جغرافی‌دان و استیفا پیشه‌ای صاحب تجربه دانست که نگاهی جامع‌الاطراف به پدیده‌های تاریخی و جغرافیایی داشته است. این نکته را می‌توان با بررسی و مطالعه سه آثار ارزشمند او نزهةالقلوب، ظفرنامه و تاریخ گزیده دریافت (دبیر سیاقی، ۱۳۳۶: چهارده؛ صفری، ۱۳۷۰: ۱۰۹/۱).

نزهةالقلوب

نزهةالقلوب یکی از منابع مهم برجای‌مانده از آثار جغرافیایی می‌باشد که اطلاعات مفیدی را نسبت به موقعیت جغرافیایی مناطق مختلف به دست می‌دهد. این اثر، اشتها حمدالله مستوفی را بر علم جغرافیا نشان می‌دهد (صفا، ۱۳۵۶: ۲۰۹؛ خوش‌آب، ۱۳۹۶: ۵۱؛ مدائنی، ۱۳۸۱، ۸). به‌طور کلی می‌توان این اثر را درباره جغرافیای تاریخی دانست که حاصل پختگی کار اوست (قنبری و نظری ایلخانی‌آبادی، ۱۳۹۱: ۱۴۳). چاپ سنگی کامل این تألیف را قزوینی در سال ۱۳۱۱ هجری، در بمبئی منتشر کرد و پس از آن گ. لی استرنج متن (قسمت

جغرافیائی) و ترجمه آن را در سلسله انتشارات گیب چاپ و منتشر کرد. چند فصل از آن را نیز شفر به ضمیمه "سیاست‌نامه" طبع کرده است (بارتولد، ۱۳۶۶: ۱۳۷/۱-۱۳۶). نزهةالقلوب را محمد دبیرسیاقی در سال ۱۳۳۶ ش. در تهران در چاپخانه کتابخانه طهوری به چاپ رساند (تشنر، ۱۳۷۵: ۶۱). این کتاب وزین که اثر حمدالله مستوفی است در قرن هشتم هجری (۷۴۰ ق.) یعنی زمان تسلط مغولان بر ایران تألیف شده و علاوه بر استفاده از آثار پیشینیان، از مشاهدات شخصی نیز سود برده است. این کتاب معلومات شایسته‌ای درباره آب و هوا، جمعیت، وسعت و محصولات شهرهای ایران به دست می‌دهد و نیز وضع حکومت و میزان مالیات اغلب شهرها را روشن می‌سازد (صدری‌افشار: ۱۴۱؛ صفری، ۱۳۷۰: ۱۰۹/۱؛ شهیدی، ۱۳۸۳: ۲۲). امروزه تنها آن قسمت از نزهةالقلوب که جغرافیای مفصل ایران و قلمرو ایلخانان در شرح بلاد و راه‌ها می‌باشد، به دست آمده است (بیات، ۱۳۸۳: ۱۶۰؛ رضازاده‌شفق، ۱۳۲۰: ۳۵۴). غرض از تألیف این کتاب، شرح احوال ایران است؛ اما چون حرمین شریفین، افضل بقاع جهان و قبه اهل ایمان از نظر مستوفی است، به شرح آن‌ها نیز پرداخته شده است (حمیدی، ۱۳۷۲: ۳۳۹-۳۳۸).

باب‌ها و منابع کتاب: کتاب دارای ۲۰ باب در ذکر بلاد عراق، آذربایجان، شروان، گرجستان، روم، مرو، بحر مملکت فارس و... است. همچنین، شامل پنج فصل در ذکر کمیت مسافت و فراسخ، جبال و معادن، مخارج انهار و اعیان و بحار و بحیرات می‌باشد که در جای خود اثری گران قدر و مشتمل بر مطالب سودمند در یک مقدمه، سه مقاله و یک خاتمه است. مقدمه کتاب حاوی مطالبی درباره انسان، حیوان، نباتات و جمادات است. مقاله سوم مهم‌ترین بخش کتاب را تشکیل می‌دهد که از جغرافیای حرمین شریفین و بیت‌المقدس سخن می‌گوید، آن‌گاه جغرافیای بلاد اردن و ممالکی که در جوار ایران واقع است به آن الحاق شده است؛ به‌ویژه جغرافیای قدیم ایران که به‌صورت مفصل به قلمرو ایلخانان مغول پرداخته است. همچنین مستوفی در جایگاه خود در ارتباط با شرح جزایر و بنادر مهم خلیج فارس اطلاعات نسبتاً مفصل‌تری نسبت به دیگر آثار جغرافیایی به دست می‌دهد. در نهایت نیز این خاتمه کتاب است که در شرح عجایب عالم و بالاخص ایران مطالب مفیدی در آن می‌توان یافت (دبیر سیاقی، همان: هجده؛ آورزمانی، ۱۳۹۴: ۱۱۲؛ خوش‌آب، ۱۳۹۶: ۶۲). نوایی، ساختار کتاب را این‌گونه معرفی می‌کند: «مقدمه در ذکر ترتیب ابداع افلاک و نجوم و عناصر و ما يتعلق بذلك من الاثار العلویة و السفلیة. دیباچه در ذکر ربع مسکون و شرح طول و عرض و صفت اقالیم و وصف اطراف آن.

مقاله اول در ذکر تکوین موالید ثلاثه معادن و نبات و حیوان و آن بر سه مرتبه است:

مرتبه اول: معدنیات؛

مرتبه دوم: نباتات؛

مرتبه سوم: حیوانات.

مقاله دوم در ذکر انسان (در چهار نظر):

نظر اول در شرح اعضای انسان و تفصیل قوای ایشان مشتمل بر سه صفت؛ صفت اول در شرح اعضای انسان از مفردات و مرکبات؛ صفت دوم در ذکر قوای انسان؛ صفت سوم در ذکر فواید اعضاء و جوارح انسان.

نظر دوم: در ذکر صفات و آثار نفوس.

نظر سوم: در عشق اولی و طلب مولی که کمال نفس انسانی است. مقاله سوم: در صفت بلدان و بقاع و آن بر چهار قسم است: قسم اول: در ذکر حرمین شریفین.

قسم دوم: در شرح احوال ایران زمین و آن مشتمل است بر مطلع و مقصدی و مخلصی: مطلع: در شرح تقسیم و طول و عرض و حدود اقصای و قبله بلاد ایران زمین مقصد: در ذکر ولایات و بلاد ایران و چگونگی آب و هوا و بنیاد عمارات و صفت ساکنان ولایات. مخلص در ضبط طرق و انهار و عیون و اشجار و جبال و معادن خاتمه: در ذکر عجایبی که در سایر ولایات ربع مسکون است در بر و بحر، بیرون از آنچه در ایران زمین است (نویسی، ۱۳۶۴، مقدمه: ۱۵-۱۴).

در واقع حمدالله مستوفی که از رجال دیوانی ایلخانان بود و به منابع دسترسی داشت، به‌مانند سایر جغرافی‌نگاران از پیشینیان اثرپذیری داشته است (محمدی و آدینه‌وند، ۱۳۹۳: ۱۴۹). اما به تکرار گفته‌های جغرافی‌دانان قرن چهارم هجری اکتفا نکرده است؛ بلکه دگرگونی‌های متعددی را که از آن زمان به بعد روی داده است نیز خاطر نشان ساخته است. وی آنچه را از آثار دیگران نقل کرده است با دیده انتقادی نگریسته و به‌همین جهت در این کتاب، مطالب کهنه و تکراری کمتر دیده می‌شود (بیات، ۱۳۸۳: ۱۶۰). از جمله منابع مورد استفاده در نزهةالقلوب می‌توان به کتاب‌هایی چون: صورالاقالیم تألیف ابوزید احمد بن سهل البلخی، التبیان تألیف احمد بن عبدالله، المسالک والممالک تألیف ابوالقاسم عبدالله بن خردادبه، کتابی موسوم به جهان نامه، طبقات همدانی تألیف ابوعبدالله محمد بن سعد الواقدی، عجایب المخلوقات تألیف زکریا بن محمد، آثارالبلاد تألیف قزوینی، فارس-نامه ابن بلخی مستوفی، ذکر ولایت کرمان تألیف خواجه ناصرالدین المنشی کرمانی، عجایب البحر تألیف امام علی بن عیسی‌الحرانی، دو اثر؛ آثارالباقیه و التفهیم ابوریحان بیرونی، کتاب ارشاد تألیف حافظ خلیل قزوینی، رساله ملکشاهی در وصف ممالکی که ملکشاه در نظر آورده، تاریخ اصفهان تألیف حافظ عبدالرحمن بن محمد، معجم-البلدان از ابوعبدالله یاقوت حموی، تحفةالغرایب، صورالکواکب از شیخ ابوالحسین صوفی، تاریخ مغرب، اخلاق ناصری تألیف خواجه نصیرالدین طوسی، تنسیق‌نامه ایلخانی تألیف خواجه نصیرالدین طوسی اشاره کرد (مستوفی، ۱۳۳۶: ۱۷-۱۸).

دوره و سبک ادبی کتاب: در قرن هشتم هجری، ادبیات ایران نسبت به قرون گذشته و به‌ویژه نسبت به قرن هفتم اندکی تنزل یافت و سبب، آن بود که در اواسط این قرن قدرت پادشاهان مغول در ایران تخفیف یافت. سلسله‌های جزء که بیشتر ضعیف بودند از تجزیه ممالک ایشان فراهم آمد و انقلاب حوادث دوباره آسایش را از مردم سلب کرد و وزرای مقتدر که در قرن پیش می‌زیستند و مردم را در علم و ادب تشویق می‌کردند در این قرن به وجود نیامدند. تنها خاندان‌های بزرگی که در پرورش علما و ادبای ایران در این زمان کوشیدند، نخست خاندان آل مظفر در یزد و فارس و دوم خاندان جلایر در بغداد و عراق عرب بودند؛ اما در این دوره نیز نویسندگان و شعرای بزرگ در ایران بسیار بوده‌اند (نفیسی، ۱۳۴۴: ۱۸۲). در واقع نثر فارسی در دوره‌ی بین حمله چنگیزخان به ایران تا حمله‌ی تیمور، رونق فراوان داشت و علت عمده‌ی این امر، آن است که در این عهد آخرین اثر نفوذ

سیاسی خلفا از میان رفت و بغداد مرکزیت بزرگ سیاسی، دینی، علمی و ادبی خود را از دست داد و رابطه‌ی ایرانیان با ملل دیگر اسلامی که غالباً زبان عربی را پذیرفته بودند، قطع شد و زبان فارسی حاکمیت خود را در قلمرو علمی این دوره دوباره به دست آورد. به همین خاطر نویسندگان دیگر احتیاجی به تألیف در زبان عربی احساس نمی‌کردند و حتی بسیاری از کتاب‌های علمی از این پس به زبان فارسی تألیف شد. سبک دوره‌ی مغول به‌ویژه سبک قرن هفتم هجری به شدت تحت تأثیر سبک نثر آخر دوره‌ی سلجوقی و خوارزمشاهی است. علت عمده، آن است که پیشروان بزرگ نویسندگی این دوره کسانی هستند که در اوایل قرن هفتم، پیش از حمله مغول در زمره اهل قلم قرار داشته و به سبک آن دوره مأنوس بوده‌اند و یا کسانی بودند که زیر دست نویسندگان آن زمان تربیت شده و سپس سرمشق سایر نویسندگان گردیده‌اند (صفا: ۲۰۵-۲۰۴؛ آژند، ۱۳۸۰: ۹۵). به نوشته رضازاده شفق با وجود فتنه و آشوب در نواحی مملکت و انحطاط علم و معرفت، تألیفات به نثر فارسی در دوره مغول و تیموری زیاد بود و بدیهی است اگر وقایع ناگوار در این دوره رخ نمی‌داد، ادبیات به مراتب بیشتر ترقی می‌کرد (رضازاده شفق، ۱۳۲۰: ۳۵۲). درباره شیوه سبک این اثر باید گفت که ساده و بی‌تکلف است، اما مقدمه‌ای مصنوع و متکلف و پر از لغات مشکل عربی و فارسی دارد. نثر نزهةالقلوب ساده و روان اما از کاربرد واژه‌های عربی و اخبار و احادیث به دور نمانده است (حمیدی: ۳۳۸). البته از نظر تاریخی نمی‌توان او را صاحب سبک و رویکرد خاص خود دانست، زیرا او از پیشینیان از جمله طبری، فردوسی طوسی و به‌ویژه خواجه رشیدالدین تقلید نموده است (محمدی و آدینه‌وند، ۱۳۹۳: ۱۷۵).

اهمیت و ارزش علمی و تاریخی مؤلف و تألیف

حمدالله مستوفی از جمله مورخان و جغرافی‌نگاران ایرانی است که با توجه به توانایی او در نگارش آثار تاریخی و جغرافیایی، اهمیت زیادی در علم تاریخ و جغرافیا دارد. در زیر به ذکر نکاتی که اهمیت او را از این نظر نشان دهد می‌پردازیم:

چیره‌دستی نویسنده در علم جغرافیا و سرمشق بودن او برای دیگران: هر کشوری گذشته‌ی طولانی-تری دارد. جغرافیای تاریخی آن مفصل‌تر است و دامنه‌ی تحقیق در آن بسیط‌تر (آورزمانی، ۱۳۹۴، پیشگفتار: ۳). در عصر جدید نیز اکتشافات جدید و پیشرفت بسیار در علم جغرافیا ناشی از توجه به این علم هم به صورت طبیعی و هم به صورت انسانی بوده است (الوزیری، ۱۳۸۰، پیشگفتار: ۵). مستوفی با نوشتن کتاب نزهةالقلوب ثابت نمود که علم جغرافیا در زمان او بسیار مورد توجه بوده و با توجه به متن اثر او و تسلط او بر این علم به ما نشان داد، دست توانایی در این عرصه دارد و اهمیت اثر او بیشتر از این نظر است که هم به زبان فارسی است و هم بعد از آن آثار جغرافیایی مانند جغرافیای حافظ ابرو به این زبان ملی و میهنی در قلمرو ایران به منصف ظهور رسید (رنجکش: ۱۱۰). در واقع مستوفی یکی از برجسته‌ترین جغرافی‌نگاران قرن هشتم هجری قمری بود که اطلاعات جغرافیایی خوبی ارائه داده است (خلعتبری و فتحی، ۱۳۸۵: ۳۴-۳۳). این اطلاعات جغرافیایی برای محققان تاریخی نیز اهمیت بسیاری دارد که در پرداختن به تحقیقات تاریخی می‌توانند از این اثر جغرافیایی مستوفی بهره‌مند شوند.

زبان فارسی، روان و سلیس بودن کتاب: به نوشته نفیسی این اثر در طبیعیات، جغرافیا و عجایب‌البلدان است و مهم‌ترین کتاب جغرافیا به زبان فارسی است (نفیسی، ۱۳۴۴: ۱۴۴). همچنین باید گفت، مستوفی خصوصیات هم‌چون گستردگی، سادگی سبک نگارش و روان بودن نثر خود را در نزهةالقلوب بروز داده است (صفا: ۲۱۰). البته وی نه تنها در نزهةالقلوب، بلکه در اثر منظوم بعدی خود که پنج سال بعد از این اثر با عنوان "منظومه ظفرنامه" نوشته شد، روان بودن و سلیس بودن نوشتار خود را به ثبوت رسانید (کمالی بانیانی، ۱۳۸۶: ۱۱). با این‌که در عصر مغولان در ایران، زبان فارسی رو به انحطاط بود، اما مستوفی با آثار خویش ثابت کرد که هنوز قوت و قدرت زبان فارسی ادامه دارد (بهار، ۱۳۸۰: ۳۷۹). در واقع روان و سلیس بودن مطالب نزهةالقلوب نشان‌دهنده تسلط مستوفی بر ادبیات فارسی می‌باشد و بررسی متن این اثر از نظر تاریخ ادبیات مهم می‌باشد.

از نظر زبان‌شناسی تاریخی: این اثر برای زبان‌شناسان نیز واجد اهمیت می‌باشد و یکی از آثار معدود زبان مغولی در قرون وسطی به‌شمار می‌رود. زیرا در بخش نجوم آن نیز نام‌های جانوران گوناگون به زبان فارسی و ترکی و مغولی منقول است و همچنین زبان و لهجه‌ها و گویش‌های هر شهر و منطقه از قلمرو ایران را اشاره می‌نماید (بارتولد، ۱۳۶۶: ۱۳۷/۱-۱۳۶؛ ابوالقاسمی، ۱۳۹۷: ۳؛ مستوفی: ۳۲ و ۶۰ و ۸۳). آشنایی با زبان مغولی و سایر لهجه‌ها، گویش‌های مردم قلمرو ایلخانی از خصوصیات علمی و گستردگی دید و نظر مستوفی حکایت دارد.

انتقال واژه‌های ترکی-مغولی: با این‌که زبان فارسی در زمان مغولان مورد هجوم لغات و اصطلاحات ترکی-مغولی قرار گرفت و زبان علمی دچار رکود شد، البته ساده‌نویسی نیز مرسوم شد (بهار، ۱۳۸۰: ۳۱۴-۳۱۲؛ باقری، ۱۳۸۶: ۱۱۶). اما از این جنبه می‌توان آثار مستوفی را مورد توجه قرار داد که نثری روان و ساده دارند و برخی لغات و اصطلاحات در آن به‌کار رفته است که از نظر تاریخی مهم می‌باشد که دیوان اداری مغولان را از نظر ادبی نشان می‌دهد.

کشورداری، اخذ مالیات و وضعیت اقتصادی قلمرو ایران عصر ایلخانی: این اثر از اسناد معتبر و ذی‌قیمت در علم جغرافیا است. با این‌که این کتاب در همین موضوع نوشته شده، اما از نظر تاریخی نیز حائز اهمیت است؛ زیرا در پاره‌ای از موارد که ذکر شهر یا ولایت یا ناحیه‌ای را می‌کند، تاریخ و حکومت و طرز کشورداری حکام و پادشاهان آنجا را نیز بیان می‌کند، اما با تکیه بر قلمرو ایلخانی یعنی ایران و عراق است (هویدا، ۱۳۵۰: ۹۶؛ حمیدی: ۳۳۸؛ عزاوی، ۱۳۸۱: ۷۲/۲). پایان کتاب شامل شرح عجاییبی است که در جهان و به‌ویژه در ایران وجود دارد (آورزمانی، ۱۳۹۴: ۱۱۲). به نوشته بارتولد این اثر اطلاعات مشروحی درباره تقسیمات اداری ایران در دوران فرمان‌فرمایی مغول و مالیات‌هایی که از هر ناحیه گرفته می‌شده، به‌دست می‌دهد (بارتولد، ۱۳۶۶: ۱۳۷/۱-۱۳۶). در واقع وی وضع حکومت و میزان مالیات اغلب شهرها را روشن می‌سازد (صدری‌افشار: ۱۴۱؛ مستوفی: ۵۶ و ۶۷ و ۷۵ و ۸۳ و ۱۳۶). جغرافی‌نگاران ایرانی با نگرش خاص خود به سرزمین ایران، اهداف خود مبنی بر شناخت این سرزمین جاوید و تمایز آن با سرزمین‌های دیگر را وجه همت خود قرار دادند که حمدالله مستوفی یکی

از آنهاست که با شهرهای گوناگون ایران آشنایی گسترده‌ای داشته است و به وضعیت اقتصادی ساکنان این شهرها پرداخته است (شاهین و دیگران، ۱۳۹۵: ۱؛ ابوالقاسمی: ۳). مستوفی به‌خاطر شغل دیوانی‌اش با امکان دسترسی به اسناد مالیاتی، موفق به تدوین اثری فاخر با رویکرد اقتصادی شد (قنبری و نظری ایلخانی‌آبادی: ۱۴۳).

استفاده از مشهودات و تتبع در آثار گذشتگان: حمدالله مستوفی برای نوشتن "نزهةالقلوب" بیش از ۲۰ کتاب از پیشینیان در این‌باره را مطالعه کرده و با مسموعات و مشهودات شخصی مقایسه نموده است (صدری-افشار: ۱۴۱؛ مستوفی: ۶۳-۶۲ و ۹۱ و ۹۵). با این اقدام او، منابع جغرافیایی و تاریخی که مطالبی را در بر داشته‌اند به کتاب او منتقل شده است. در واقع وی اثر خود را به مانند معاصران خویش ابوالفدا و دمشقی، به تکرار سخنان جغرافیون قرن دهم میلادی اکتفا نکرده، بلکه دگرگونی‌هایی را که از آن عهد به بعد روی داده نیز خاطر نشان می‌سازد (بارتولد، ۱۳۶۶: ۱/۱۳۷-۱۳۶). همان‌طور که نیکلسون هم اشاره دارد، حمدالله که قدیمی‌ترین جغرافی‌دان ماست با اسلوب و روش معین، کتاب خود را به فارسی نوشته است و مواد خود را از آثار جغرافی‌دانان قدیم‌تر عرب گردآورده است. او از تک‌نگاری‌های گوناگون فارسی که هر یک در توصیف شهرستانی واحد از امپراتوری اسلام نوشته شده بود استفاده کرد و چنین برمی‌آید که بر متن پاره‌ای از این تک‌نگاری‌ها مقداری بر دانش خود او نیز افزوده گشته است (نیکلسون، ۱۳۷۴، مقدمه: ۱۹-۱۸).

توجه به آب و هوا و محصولات سرزمین‌ها: کتاب نزهةالقلوب معلومات شایسته‌ای درباره آب و هوا، وسعت سرزمین‌ها و محصولات شهرهای ایران به‌دست می‌دهد (صدری‌افشار: ۱۴۱؛ مستوفی: ۲۰۴-۲۰۲ و ۱۲۹ و ۱۷۴ و ۱۸۳). اطلاعات مستوفی در این راستا که مربوط به مسافت او به‌نواحی مختلف قلمرو ایلخانی یا تحقیق از اهالی هر سرزمین می‌باشد نیز از ویژگی‌های مؤلف این اثر است. شناخت آب و هوای ایران عصر ایلخانی از نظر تاریخی بسیار مهم است و پیشینه آب و هوایی هر منطقه در آن عصر را نشان می‌دهد.

کاربرد نقشه در کتاب: از دیگر دلایل اهمیت و ارزش علمی نزهةالقلوب، نقشه‌ای است که مؤلف آن در اثر خود آورده و آن را به‌کار گرفته است. تشنر در مورد این نقشه چنین توضیح می‌دهد: «نقشه حمدالله مستوفی است که در آن عالم مسکون به ۱۸ بخش طولی مساوی تقسیم شده است و طول‌ها، چنان‌که گویی از سطحی مستوی بگذرند، به‌صورت خط‌های مستقیم کشیده شده‌اند و در قطب‌ها در یک نقطه جمع نمی‌شوند. عالم مسکون نیز به ۹ بخش موازی تقسیم شده است و از خط استوا شروع می‌شود و به سمت شمال امتداد می‌یابد. بدین ترتیب، هر یک از مربع‌ها تقریباً (؟) وسعت دارد و هر درجه (بنابر محاسبات منجمان مأمون) معادل $\frac{256}{3}$ میل عربی است. اسامی مکان‌ها بدون رعایت ترتیبی در هر یک از مربع‌ها و اسامی هفت اقلیم نیز در اطراف دایره عالم مسکون نوشته شده است. آثاری از نظریه بیرونی، حاکی از وجود دریایی که ربع جنوبی کره زمین را دربرمی‌گیرد، و این‌که جنوب افریقا به شکل چنگال است. در نقشه تفصیلی آسیای مرکزی، ایران و غیره - که میلر آن را "نقشه ایران" نامیده است - مستوفی شبکه‌ای با خانه‌های مستطیل‌شکل به کار برده است. در این

نقشه هر خانه نماینده ۱ (؟) است و اسامی شهرها و قصبات عمده در هر یک از آنها آمده است. این نقشه شامل ۶۴ تا ۱۱۱ درجه طول شرقی و ۱۶ تا ۴۵ درجه عرض شمالی است (منجمان مسلمان معمولاً طول جغرافیایی را از جزایر قناری صفر درجه تا چین ۱۸۰ درجه محاسبه می‌کردند). براساس گفته حمدالله مستوفی، نقشه او از اقلیم اول تا اقلیم ششم را در شمال خط استوا در برمی‌گیرد، ولی این تقسیم‌بندی حدسی است و ظاهراً به تقسیم‌بندی اقلیم‌ها، به‌نحوی که منجمان تقسیم کرده‌اند، ربطی ندارد. با تقسیم‌بندی حدسی مدارات عرض جغرافیایی، به حساب نیاوردن کرویت زمین در ترسیم طول جغرافیایی، مشکل بتوان انتظار داشت که مکان‌ها در موضع صحیح جغرافیایی خود، چنان‌که منجمان مسلمان می‌شناختند، قرار گیرد (تشنر: ۸۲-۸۱). نقشه از نظر جغرافیایی بسیار مهم است و بعد از آن از نظر تاریخی نیز می‌توان به این نقشه‌ها رجوع کرد و قلمروها را مشخص نمود.

توجه به کیهان‌شناسی و هیأت: به‌نوشته نیکلسون، نزهةالقلوب نوشته حمدالله مستوفی کتابی است در جغرافیا و کیهان‌شناخت، در ۷۴۰ ق. تألیف شده است (نیکلسون، ۱۳۷۴، مقدمه: ۱۸). وی همچنین در این کتاب به علم هیأت نیز پرداخته است (رنجکش: ۱۰۹؛ کمالی بانیانی: ۱۱). آشنایی با نجوم نیز بیان از علم مؤلف دارد که در نزهةالقلوب شواهدی از آن وجود دارد. این امر برای تاریخ کیهان‌شناسی و نجوم مهم است که تا عصر ایلخانان کیهان‌شناسی و نجوم تا چه مرحله‌ای پیش رفته است.

اما در زیر به مواردی می‌پردازیم که در کتاب نزهةالقلوب دارای برجستگی محض تاریخی هستند که برای مورخان و محققان رشته تاریخ و کسب اطلاعات تاریخی از این اثر مورد نیاز است و در آموزش علم تاریخ و همچنین نکات تاریخی که در این اثر جغرافیایی یا بهتر بگوییم جغرافیای تاریخی آمده است می‌توان بهره لازم را برد.

تاریخ انبیا: در نزهةالقلوب به هبوط آدم، طوفان نوح و ذکر پیامبران از جمله حضرت آدم (ع) و فرزندش شیث (ع) و حضرت نوح (ع) حضرت ادریس (ع) و حضرت محمد (ص) و ... شده است (مستوفی: ۳-۲ و ۴۹ و ۵۷ و ۱۲۲).

ذکر امام‌زاده‌ها: نام بردن از امام‌زاده‌ها مانند حسن بن حسن، حسن بن علی بن موسی‌الرضا (ع)، محمد و احمد پسران امام موسی کاظم و ... در نزهةالقلوب برای تاریخ تشیع به‌طور جزئی و تاریخ اسلام به‌طور کلی مهم است که مستوفی از عهده این امر نیز برآمده است (مستوفی: ۶۳ و ۱۳۸).

فرق مذهبی و مؤسسین فرقه‌ها: درست است که این فرق مانند شافعی، حنفی، شیعه و ... و مؤسسین برای تاریخ مذاهب مهم هستند اما اقدامات سیاسی آنها و واکنش مخالفانشان مانند خلفا و پادشان و امرای زبردست آنها باعث ارزش تاریخی آنها می‌شود که در نزهةالقلوب ذکری از آنها مانند ابوحنیفه، حسن صباح و شیخ قطب‌الدین حیدر به‌میان آمده است (مستوفی: ۶۶ و ۹۴ و ۱۳۱ و ۱۹۰).

اولیاء دین و عارفان و صوفیان: امروزه برای پرداختن به تاریخ تصوف و رجال و سایر علوم مربوطه نیاز به شناخت اولیاء دینی مانند سلمان فارسی و شیخ عبدالله انصاری و جوانمرد قصاب و ابوسعید ابواخیر و عطار و بایزید بسطامی و طیفور بن عیسی و عثمان حیدری و ... داریم که برخی از آنها در کتاب مستوفی نام برده شدند (مستوفی: ۱۶۲ و ۱۸۳ و ۱۸۷ و ۱۹۴ و ۲۰۱).

توجه به ساخت و معماری ابنیه‌های دینی، مذهبی و تاریخی: در جای‌جای این اثر به ساخت مسجدها، گسترش محوطه‌ی آنها و همچنین گسترش محوطه خانه خدا (کعبه)، ساخت مقابر ائمه دینی و ساخت کلیساها و غیره توسط پادشاهان، خلفا و امرا پرداخته شده است (مستوفی: ۵ و ۸ و ۷-۶ و ۳۳).

مکان‌های تاریخی مورد اهمیت در تاریخ سرزمین‌ها، ادیان و مذاهب: مکان‌های تاریخی و زمان ساخت و مکان آنها برای تاریخ مهم می‌باشند که مؤلف نزهةالقلوب از این امر غافل نبوده است و اشاراتی به آنها مانند کوه و غار حرا، کوه ثور، خندق، مقابر ائمه معصومین (ع) مثل مقابر امام رضا (ع) در طوس (مشهد) و امام هادی نقی (ع) و امام حسن عسکری (ع) در سامره و ... و همچنین طاق کسرا و کاخ خورنق که توسط نعمان بن منذر برای بهرام پنجم ساسانی ساخته شد، دارد (مستوفی: ۸ و ۱۲ و ۴۲ و ۴۴ و ۴۸-۴۷ و ۸۰ و ۸۵ و ۱۱۲ و ۱۸۵).

مقابر شاعران: اشاره به شعرا و مقابر آنها برای تاریخ ادبیات مهم است که در نزهةالقلوب به مقبره حافظ در شیراز و مقبره باباطاهر در همدان اشاره رفته است (مستوفی: ۸۰-۷۹).

شهرهای مهم تاریخی و مذهبی: برای نوشتن تاریخچه شهر نیاز داریم که در متون تاریخی به دنبال این امر باشیم که خوشبختانه مستوفی اشاراتی در این خصوص دارد و برای مثال می‌توان مداین، قسطنطنیه پایتخت روم شرقی، بغداد، کربلا، سامرا، مشهدطوس و سلطانیه پایتخت ایلخانان را نام برد (مستوفی: ۱۱ و ۳۱-۳۰ و ۳۳-۳۴ و ۳۷ و ۴۲-۴۴ و ۴۶-۴۹ و ۶۰ و ۷۳ و ۱۱۶ و ۱۷۴ و ۱۷۹ و ۱۸۵).

وجه تسمیه شهرها و اماکن تاریخی: از نظر تاریخی پرداختن به وجه تسمیه شهر مهم می‌باشد و به‌ویژه در تاریخ محلی امروزه این امر مشهود است از جمله مستوفی در وجه تسمیه بغداد چنین می‌نویسد «و کسری انوشروان بر صحاری آن دیه، باغی ساخته بود و باغداد نام کرده، بغداد اسم علم آن شد و عرب آن را مدینه‌السلام خوانند و عجم "زورا" گویند» و در وجه تسمیه شهر غار: «سبب تسمیه‌ی غار آن است که امام‌زاده‌ای از فرزندان امام موسی کاظم علیه‌السلام را در ری قصد کشتن او کردند و او از آن ظالمان فرار نموده در نواحی جالی کولی غاری پدید آمد. امام‌زاده پناه بدان غار برده، غایب شد و الحال آن ناحیت "جهت غایب شدن آن بزرگوار به ناحبت غار نامیده شده» و یا در وجه تسمیه شهر بیضا: «بیضا شهری کوچک است و تربت سفید دارد و به همین سبب بیضا خوانند» (مستوفی: ۳۴ و ۵۸ و ۱۴۷).

تاریخ حماسی و پادشاهان و شخصیت‌های اساطیری ایران: چون مستوفی به تاریخ آگاه بود در کتاب خود تاریخ حماسی را ذکر کرده و به پادشاهان اساطیری و اقدامات آنها توجه کرده از جمله جمشید پیشدادی، تقسیم ایران توسط فریدون بین فرزندان و طهمورث دیوبند و بهمن بن اسفندیار و اقدامات کیومرث و منوچهر و هوشنگ و ضحاک و کیخسرو و گشتاسف بن لهراسب و شخصیت‌هایی مانند گودرز در بیشتر صفحات کتاب خود ذکری از آنها به میان می‌آورد (مستوفی: ۲۰-۱۹ و ۳۹ و ۴۱ و ۵۲ و ۷۶-۷۵ و ۹۲ و ۱۴۲ و ۱۴۴ و ۱۴۹-۱۵۰ و ۱۷۶).

ایرانشهر: مستوفی به‌مانند جغرافی‌نگاران مکتب عراق توجه به ایرانشهر داشته و عراق عرب را دل ایرانشهر می‌داند (مستوفی: ۱۱۳).

نام تاریخی دریای خزر و دریاچه ارومیه: این دریا که امروزه خزر نامیده می‌شود در طول تاریخ، اسامی مختلفی برای آن به کار رفته است که در عهد مستوفی یعنی سلسله ایلخانان آن را با دو سرزمین در شمال ایران یعنی مازندران و گیلان می‌نامیدند و همچنین نام چیچست که نام تاریخی دریاچه ارومیه بود (مستوفی: ۲۲-۲۳ و ۹۷-۹۸ و ۱۰۴).

سلسله‌های تاریخی: در تاریخ ما همواره با سلسله‌های تاریخی سروکار داریم که در نزهةالقلوب نیز ذکری از برخی از آنها مثل فراغنه، آل بویه، سلاجقه، آل حسنویه و ... به میان آمده است (مستوفی: ۱۴۶ و ۱۶۷ و ۱۹۷).

پادشاهان تاریخی: در نزهةالقلوب به پادشاهان تاریخی ایران و اقدامات آنها اشارات فراوانی رفته است مانند اردشیر بابکان و شاپور اول پسرش و بهرام پسر شاپور اول و بهرام گور و شاپور ذوالاکتاف و بهرام پسرش و فیروز و قباد و انوشیروان و خسرو پرویز از ساسانیان، عمرو بن لیث صفاری صمصام‌الدوله بویه‌یی، سلطان محمود بن سبکتکین غزنوی، سلطان ملک‌شاه سلجوقی، چنگیزخان و هلاکو و ارغون‌شاه پسر اباقا و غازان‌خان و ابوسعید مغول، علاءالدین کیکباد، قلع‌ارسلان و ... که نشان از توجه این مؤلف و علاقه او به تاریخ ایران است (مستوفی: ۱۲ و ۱۸ و ۲۸ و ۴۳-۴۲ و ۴۵ و ۶۲-۶۱ و ۷۰ و ۸۶ و ۱۱۰-۱۰۹ و ۱۱۲ و ۱۲۳-۱۲۲ و ۱۳۰-۱۲۸ و ۱۳۳-۱۳۲ و ۱۴۲-۱۴۱ و ۱۴۵ و ۱۵۰ و ۱۵۴ و ۱۷۰ و ۱۷۸ و ۱۸۲ و ۱۸۵ و ۱۹۱ و ۱۹۵ و ۱۹۷).

خلفا: در نزهةالقلوب تاریخ خلفا در اسلام و اقدامات آنها مورد توجه قرار گرفته است که برای تاریخ اسلام این امر مهم می‌باشد و از خلفایی مانند خلفای راشدین از جمله آنها عمر و امام علی (ع)، خلفای بنی‌امیه مثل عمر بن عبدالعزیز، مهدی و هارون‌الرشید و مأمون و واثق عباسی و ... نام می‌برد (مستوفی: ۳۵-۳۴ و ۳۸ و ۶۲ و ۷۶ و ۱۳۵ و ۱۶۲ و ۱۷۱ و ۱۹۳).

وزرا: امروزه پرداختن به نقش وزرا در تاریخ بسیار مهم است و خوشبختانه مستوفی در این مورد نیز وزرای نامی پیامبران (ص) و پادشاهان و خلفا را نام برده است از جمله سلیمان بن خالد برمکی وزیر منصور عباسی، خواجه

رشیدالدین فضل‌الله همدانی وزیر غازان خان و پسرش غیاث‌الدین در عهد ایلخانان و ... (مستوفی: ۴۷ و ۸۷ و ۱۸۱).

حکام و امرا و سرداران معروف: حکام و امرا نیز به‌مانند پادشاهان اما در محدوده کوچکی که حومت تابع داشتند به‌مانند حجاج بن یوسف و ابومسلم خراسانی و امیر چوپان در نزهةالقلوب آمده است که آنها نیز اهمیت تاریخی دارند (مستوفی: ۱۷۰ و ۱۸۳ و ۱۹۳).

اتابکان: رسم اتابکی در زمان غزنویان شروع شد و در زمان سلجوقیان به‌قوت خودش باقی بود و تا زمان صفویان اتابکان بر قلمروهای وسیعی می‌زیستند که مستوفی به‌برخی از آنها از جمله اتابک جاولی اشاره دارد (مستوفی: ۱۴۸ و ۱۵۸).

اقوام تاریخی: برخی اقوام از نظر تاریخی مورد اهمیت هستند چنانچه بعضی از این اقوام امروزه در اقوام دیگر مستحیل شده و وجود ندارند که خوشبختانه مستوفی به ذکرشان می‌پردازد (مستوفی: ۲۲ و ۱۹۸).

بیان خصوصیات اخلاقی و رفتاری هر قوم: این امر نیز مورد توجه مورخان و محققان است که در این اثر اشاراتی برای آن وجود دارد، چنان‌که در توصیف مردم کوفه ذکر شده است: «قولشان اعتماد را نشاید کرد و قضیه ایشان از اهل بیت رسول شاهد این معنی است. و عرب را مثل بود: "الکوفی لا یوفیء»». در توصیف مردم زنجان نیز آمده است که «و مردم آنجا سنی شافعی‌مذهبند و بر طنز و استهزاء بسیار اقدام نمایند و در صور الاقالیم گوید که غفلت برایشان غالب است و زبانشان پهلوی راست است» و یا در توصیف مردمان ابهر نوشته است: «مردمان آنجا سفیدچهره و شافعی‌مذهب‌اند اما تملق بر طبیعت آن‌ها غالب بود». در وصف خصوصیت اخلاقی مردم سلماس نیز آمده است: «مردمش سنی پاک‌دین‌اند و پیوسته با اکراد در محاربه باشند و خصومت همیشه در میانشان قایم بود و چون ذاتی و موروثی است، اصلاح‌پذیر نمی‌باشد» (مستوفی: ۳۱ و ۶۴ و ۶۷ و ۹۷).

بیان شجره و نسب خانوادگی شاهان و اقوام مختلف: برای پرداختن به زندگی شاهان و ذکر اقوام محققان همواره به شجره و نسب آنها می‌پردازند و در منابع به غور می‌پردازند که خوشبختانه در نزهةالقلوب هم در برخی صفحات این امر مورد توجه قرار گرفته است، چنان‌که نویسنده در بخش زیر ضمن توضیح در مورد ولایت بغداد به ذکر اولاد و احفاد عباسیان که در ساخت و مرمت بغداد نقش داشته‌اند نیز می‌پردازد: «امیرالمؤمنین المنصور بالله ابو جعفر عبدالله بن محمد بن علی بن عبد الله بن عباس (رضعهم) که دوم خلیفه عباسی بود و به ابودوانیق مشهور، در سنه خمس و اربعین مائه بنا کرد. پسرش المهدی بالله محمد بن عبدالله (رضع) دارالخلافة به اطراف شرقی آورد و در آنجا عمارت بسیار کرد، و چون نوبت خلافت پسرش هارون الرشید رسید در اتمام آن سعی بلیغ نموده و به مرتبه‌ای رسانید که طولش چهار فرسنگ و عرض یک فرسنگ و نیم عمارت و احواس بود. و در عهد پسرش المعتمد بالله محمد بن هارون الرشید (رضعها) جهت آن‌که او را غلامان بسیار بودند و بغدادیان از ایشان

به زحمت بودند، دارالخارقه به سامره بردند و آنجا عمارات عالییه ساختند و بعد از اولاد و احفادش هفت خلیفه: واثق و متوکل و منتصر و مستعین و معتز و مهتدی و معتمد به سامره دارالخلافة داشتند تا المعتضد بالله احمد بن الامیرالموفق طلحه بن المتوکل علی الله که شانزدهم خلیفه بود، دارالخلافة با بغداد آورد و بعد ازو تمامت خلفا متابعت او کردند و دارالخلافة آنجا داشتند، و پسرش المكتفی بالله علی بن المعتضد دارالشاطئیه و جامع طرف شرقی ساخت و چون خلافت به مستظهر بالله احمد بن المتقدی رسید آن را بارو و خندق به آجر ساخت» (مستوفی: ۳۴-۳۵).

دانشمندان: دانشمندان همواره سهم به‌سزایی در تاریخ داشته‌اند که در نزهةالقلوب برخی از آنها مانند احمد غزالی نام برده شده است (مستوفی: ۱۸۵).

زنان مشهور تاریخی: باید دانست که تاریخ تنها مختص مردان نیست و با توجه به آگاهی تاریخی امروز و دمه شدن تفکر مردانه تاریخ امروزه زنان نیز ارج نهاده می‌شوند و مستوفی از همان زمان متوجه این امر بوده است و از زنان معروفی مثل هما دختر بهمن کیانی، شیرین زن خسرو پرویز و زبیده همسر هارون الرشید نام می‌برد (مستوفی: ۴۵ و ۷۴-۷۵ و ۸۵).

وقایع تاریخی و سیاسی: در نزهةالقلوب خوشبختانه در ذکر مکان‌های جغرافیایی، به موارد و وقایع تاریخی نیز اشاره شده است که برای محققان مفید است از جمله می‌توان واقعه عاشورا و تخریب کعبه توسط بنی‌امیه، حمله مغول و ... را نام برد (مستوفی: ۶ و ۵۶ و ۶۹ و ۱۹۷).

حوادث طبیعی: از این نظر باید چنین گفت که این حوادث برای تاریخ زمین‌شناسی و جغرافیا مهم هستند که مستوفی به زلزله‌هایی که در تبریز و مشهد روی داده است اشاره دارد (مستوفی: ۸۵ و ۱۸۲).

حقوق دیوانی: مستوفی در بیشتر صفحات کتاب خویش به حقوق دیوانی شهرها و مناطق زیر نفوذ ایلخانان پرداخته است که از نظر تاریخی مهم است.

نتیجه‌گیری

حمدالله مستوفی از دیوانیان و مستوفیان معروف عصر ایلخانی است که به‌طور سنتی در قزوین حائز اهمیت هستند. وی همچنین از مورخان معروف این عصر است که صاحب تاریخ گزیده است. وی به شعر و ادبیات نیز علاقه خاصی داشت و منظومه‌ی ظفرنامه نیز اثر اوست. سنت جغرافیانگاری که از قرون نخستین اسلامی شروع شده بود تا عصر ایلخانان مغولان نیز ادامه داشت. مستوفی از مشاهیر جغرافی‌نگاران ایرانی در این عصر است که با تألیف نزهةالقلوب در قرن هشتم قمری یعنی در سال ۷۴۰ق به زبان فارسی احاطه وی در این علم را نشان می‌دهد. این اثر جغرافیایی، گستردگی علمی جامع مؤلف را نسبت به موقعیت جغرافیایی مناطق مختلف ایران به‌دست می‌دهد. با توجه به این که جغرافی‌نگاران علاوه بر جغرافیا، تاریخ مناطق گوناگون این سرزمین را مورد

بررسی قرار می‌دهند از نظر تاریخی نیز اهمیت زیادی دارند. چنان‌که مستوفی نیز از جمله آنهاست که موارد ذکر شده را به‌خوبی در اثر خویش آورده است و متن کتاب می‌تواند به مورخان و محققان تاریخ کمک شایانی نماید.

منابع و مآخذ

کتاب‌ها:

- _ آورزمانی، فریدون (۱۳۹۴)، جغرافیای تاریخی ایران زمین، تهران: پازینه.
- _ ابن بلخی (۱۳۷۴)، فارسنامه، به تحقیق و تصحیح منصور رستگار فسایی، با مقدمه رینولد نیکلسون و ترجمه منوچهر امیری، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- _ اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۶۵)، تاریخ مغول، تهران: امیرکبیر.
- _ بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ (۱۳۶۶)، ترکستان‌نامه، ترکستان در عهد هجوم مغول، جلد یکم، تهران: آگاه، چاپ دوم.
- _ باقری، مه‌ری (۱۳۸۶)، تاریخ زبان فارسی، تهران: قطره، چاپ یازدهم.
- _ بهار، محمدتقی (۱۳۸۰)، سبک‌شناسی بهار (تک جلدی)، به کوشش سید ابوطالب میرعابدینی، تهران: طوس.
- _ بیات، عزیزالله، تاریخ تطبیقی ایران با کشورهای جهان؛ از ماد تا انقراض سلسله پهلوی، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
- _ _____، (۱۳۸۳). شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران؛ از آغاز تا صفویه، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم.
- _ تشنر، فرانسیس گوستاو (۱۳۷۵)، تاریخچه جغرافیا در تمدن اسلامی، ترجمه محمدحسن گنجی و عبدالحسین آذرنگ، تهران: بنیاد دائره المعارف اسلامی، چاپ دوم.
- _ تهامی، غلامرضا، (۱۳۸۶). فرهنگ اعلام تاریخ اسلام، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- _ حمیدی، جعفر (۱۳۷۲)، تاریخ نگاران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- _ رضازاده شفق، صادق (۱۳۲۰)، تاریخ ادبیات ایران؛ برای دبیرستان‌ها، تهران: چاپخانه دانش.
- _ شهیدی، حسین (۱۳۸۳)، سرگذشت تهران، تهران: راه مانا.
- _ صدری‌افشار، غلامحسین، (۱۳۴۵). تاریخ در ایران؛ شرح و احوال و معرفی آثار مورخان و جغرافی‌دانان ایران، تهران: کتابخانه ابن‌سینا.
- _ صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۵۶). خلاصه‌ی تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران؛ از آغاز تا پایان عهد صفوی، تهران: امیرکبیر.
- _ صفری، بابا، (۱۳۷۰). اردبیل در گذرگاه تاریخ، جلد یکم، چاپ دوم، اردبیل: دانشگاه آزاد اسلامی؛ واحد اردبیل.
- _ عزاوی، عباس، (۱۳۸۱). موسوعه تاریخ العراق بین احتلالین، جلد دوم، بیروت: الدار العربیة للموسوعات.
- _ قشقندی، احمد بن علی، (۱۳۸۰). صبح‌العشی فی صناعة الانشاء؛ جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه محبوب الوزیری، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- _ مستوفی، حمدالله، (۱۳۳۶). نزهة القلوب، به اهتمام محمد دبیر سیاقی، تهران: کتابخانه طهوری.

_____ ، (۱۳۶۴). تاریخ گزیده، به تحقیق و تصحیح عبدالحسین نوایی، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
 _ نفیسی، سعید، (۱۳۴۴). تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی؛ تا پایان قرن دهم هجری، تهران: کتابفروشی فروغی.

پایان نامه‌ها:

_ سپهوند، اسماعیل، (۱۳۹۲). «تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی اسماعیلیان نزاری از قیامت تا سنت»، پایان-نامه کارشناسی ارشد، رشته تاریخ؛ گرایش اسلام، استاد راهنما؛ دکتر صالح پرگاری، کرج، دانشگاه خوارزمی تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تاریخ دفاع ۲۴ شهریور.

مقاله‌ها:

_ آژند، یعقوب، (۱۳۸۰). «تاریخ‌نگاری دوره مغول»، مجموعه پژوهش‌های تاریخ؛ تاریخ‌نگاری در ایران، جمعی از مؤلفان، ترجمه و تألیف یعقوب آژند، تهران: گستره، صص ۹۵-۱۱۴.

_ ابوالقاسمی، علی، (۱۳۹۷). «جغرافیای پراکندگی زبانی در ایران قرن هشتم با تکیه بر نزهةالقلوب حمدالله مستوفی»، سال ۶، شماره ۲۴، زمستان، صص ۱-۱۴.

_ خلعتبری، اللهیار و کورش فتحی، (۱۳۸۵). «دیدگاه حمدالله مستوفی در خصوص اسماعیلیان»، مجله مسکویه، پیش شماره ۳، تابستان، صص ۳۳-۴۶.

_ خوش‌آب، فرزاد، (۱۳۹۶). «جایگاه و موقعیت خلیج فارس در نزهةالقلوب حمدالله مستوفی»، فصلنامه تاریخ نو، پاییز، شماره ۲۰، صص ۵۱-۶۴.

_ رنجکش، مریم، (۱۳۸۶). «تاریخ‌نگار جغرافیانویس حمدالله مستوفی قزوینی»، ماهنامه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، خرداد، صص ۱۰۸-۱۱۰.

_ شاهین، مهدی و اسماعیل سپهوند و پگاه توانگر رنجبر، (۱۳۹۵). «بررسی زندگی‌نامه علمی و سیاسی سه جغرافی‌نگار ایرانی و آثار آنها از قرون ششم تا نهم هجری»، همایش بین‌المللی اقتصاد مدیریت و روانشناسی، قم، مجتمع تندیس، ۲۱ خرداد، صص ۱-۷.

_ قاسمی، نصرت‌الله، (۱۳۹۱). «حمدالله مستوفی؛ زندگی و آثار»، مجله رشد آموزش تاریخ بهار، شماره ۴۶، صص ۲۶-۳۱.

_ قنبری، صباح و طاهره نظری ایلخانی‌آبادی، (۱۳۹۱). «رویکرد اقتصادی حمدالله مستوفی در نزهةالقلوب»، مجله پژوهش‌های علوم انسانی، سال ۳، شماره ۱۱، مهرماه، صص ۱۶۱-۱۴۳.

_ کمالی بانایی، محمدرضا، (۱۳۸۶). «فردوسی تا مستوفی؛ نگرشی تطبیقی به ابوالقاسم فردوسی و حمدالله مستوفی»، دو ماهنامه حافظ، آبان و آذر، شماره ۴۶، صص ۱۰-۱۴.

_ محمدی، ذکراالله و مسعود آدینه‌وند، (۱۳۹۳). «بینش و روش در تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری حمدالله مستوفی قزوینی»، دو فصلنامه تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهرا (س) سال ۲۴، دوره جدید، شماره ۱۴، پیاپی ۹۹، پاییز و زمستان، صص ۱۴۹-۱۷۹.

- _ مدائنی، مهدی، (۱۳۸۱). «ظفرنامه حمدالله مستوفی؛ منظومه حجیم تاریخی زبان فارسی»، فصلنامه آینه میراث، تابستان، شماره ۱۷، صص ۸-۱۲.
- _ هویدا، رحیم، (۱۳۵۰). «دهات دزمار و توضیحی بر نزهةالقلوب حمدالله مستوفی»، مجله یغما، سال ۲۴، اردیبهشت‌ماه، شماره ۲، پیاپی ۲۷۲، صص ۹۰-۹۶.

A study of the scientific biography of Hamdollah Mostofi based on Nozha al-Qulub and its importance in teaching history

Gholam Reza Rahimian^۴ Ismail Sepahvand^۵ Majid Sepahvand^۶

Abstract

The way of life of people and religious beliefs and the scope of their territory in Iran, in addition to geography, has been studied by Iranian geographers in different parts of this land. These geographer; For the model selected in this research is Hamdallah Mostofi. The tradition of writing geography books that began in the first centuries of Islam continued until the time of the Mongol patriarchs. Our goal in this study is to examine the life of this author and his scientific mastery, relying on his geographical work, namely Nozha al-Qulub, and its historical significance. Whereas Iranian geographers, with their special attitude towards the land of Iran, had set their goals on the historical knowledge of this eternal land and its differentiation from other lands, examining their works is of great historical value and importance. Among these are dealing with their lives and introducing their works from a historical point of view Researchers in the field of humanities in general and in the field of geography in particular, should pay attention to it.

Keywords: Mostofi, Geography, Nozha al-Qulub, History.

^۴ . Master of History in Post-Islamic Iran, Payame Noor University of Isfahan, reza_sig@yahoo.com

^۵ . PhD in History of Iran after Islam, Lecturer at Farhangian University, (Corresponding Author) sepahvand.esm@fh.lu.ac.ir

^۶ . PhD student in Persian language and literature, Lorestan University, m.sepahvand۴۰۳۰@gmail.com